

حیات طیبہ و راہ رسیدن بہ آن

درنہج البلاغہ



نویسندگان:

دکتر محمود حاجی احمدی

عضو ہیت علمی گروہ معارف دانشگاه اصفہان

فخر السادات میر محمد صادقی

سرشناسه	:	حاجی احمدی، محمود، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	حیات طیبه و راه رسیدن به آن در نهج البلاغه/ نویسندگان محمود حاجی احمدی، فخر السادات میر محمد صادق.
مشخصات نشر	:	اصفهان: سلام سپاهان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۲۷۲ ص.
وضعیت فهرست نویسی	:	قیفا
یادداشت	:	کتابنامه:ص. ۲۶۶ - ۲۶۹.
موضوع	:	انسان (اسلام)
موضوع	:	Theological anthropology -- Islam
موضوع	:	انسان (اسلام) -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	:	Theological anthropology -- Islam -- Qur'anic teaching
موضوع	:	مدینه فاضله -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	:	Utopias -- Religious aspects -- Islam
موضوع	:	راه و رسم زندگی (اسلام)
موضوع	:	Conduct of life -- *Religious aspects -- Islam
موضوع	:	راه و رسم زندگی -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	:	Conduct of life -- Qur'anic teaching
موضوع	:	احسان اسلام
موضوع	:	Islamic ethics
شناسه افزوده	:	میر محمد احمدی، فخر السادات، ۱۳۴۷ -
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ع ۱۷ ج ۳۲۱
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۶۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۹۳۸۹۶۸



انتشارات سلام سپاهان (شهید فهمیده، ب.ق.)

عبدالرسول ملک احمدی

تلفن: ۰۲۶۳۰۹۵۸۹۱

حیات طیبه و راه رسیدن به آن در نهج البلاغه

مولف: دکتر محمود حاجی احمدی (عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه اصفهان)

فخر السادات میر محمد صادق

تنظیم کننده و صفحه آرا: اکرم شادانی فر

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۶ / اول

تعداد صفحه: ۲۷۲ صفحه

شمارگان: ۱۰۰۰

بهاء: ۱۵۰۰۰ تومان

عنوان	صفحه
مقدمه	۹

فصل اول کلیات و مفاهیم

۱-۱- پیشینه پژوهش	۵۵
۱-۲- اصطلاحات و واژگان کلیدی	۵۹
۱-۲-۱- حیات طیبه	۵۹
۱-۲-۱-۱- تعریف لغوی	۵۹
۱-۲-۱-۲- تعریف اصطلاحی	۶۱
۱-۲-۲- دنیا	۶۱
۱-۲-۲-۱- تعریف لغوی	۶۲
۱-۲-۲-۲- تعریف اصطلاحی	۶۲
۱-۳- آخرت	۶۳
۱-۳-۱- تعریف لغوی	۶۳
۱-۳-۲- تعریف اصطلاحی	۶۳
۱-۴- عبودیت	۶۴
۱-۴-۱- تعریف لغوی	۶۴
۱-۴-۲- تعریف اصطلاحی	۶۵

فصل دوم

ماهیت حیات طیبه از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دنیای دنیا و آخرت

۱-۲- نگرش امام علی (علیه السلام) به زندگی دنیا و ارتباط آن با حیات طیبه	۶۹
۱-۱-۲- ماهیت زندگی دنیا	۶۹
۱-۱-۱-۲- خوبی‌ها و زیبایی‌های دنیا	۷۲
۱-۱-۲- بدی‌ها و نازیبایی‌های دنیا	۷۴
۱-۲- روش سالم ماندن در دنیا	۷۷
۱-۲-۱-۲- دنیا شناسی	۸۰
۱-۲-۱-۲- ایمنی در برابر دنیا	۸۳
۱-۲-۱-۲- استفاده صحیح از دنیا	۸۶
۱-۲-۱-۲- فهم صحیح ترک دنیا و مبارزه با آن	۹۰
۱-۳- چگونگی حیات طیبه در دنیا	۹۲

۹۵	۱-۳-۱-۲- ماهیت حیات طیبیه و مقصود از آن در دنیا
۹۹	۱-۳-۲-۲- ارتباط قناعت با حیات طیبیه
۱۰۳	۱-۳-۳-۱-۲- اثرات سلامت معنوی در حیات طیبیه
۱۰۵	الف- دنیا و رستگاری
۱۱۰	ب- دنیا و زهد
۱۱۵	۲-۲- نگرش امام علی (علیه السلام) به زندگی آخرت و ارتباط آن با حیات طیبیه
۱۱۸	۱-۲-۲- ارزیابی دنیا و آخرت
۱۲۱	۲-۲-۲- ضرورت آخرت گرایی
۱۲۴	۳-۲-۲- چگونگی حیات طیبیه در آخرت
۱۲۷	۳-۲- ارتباط حیات طیبیه در دنیا و آخرت

فصل سوم

تجلی حیات طیبیه (سنظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سه حوزه‌ی شناخت، صفات، رفتار

۱۳۵	۱-۳- تجلی حیات طیبیه در حوزه شناخت انسان نسبت به خدا، خود و جهان
۱۳۵	۱-۱-۳- شناخت انسان نسبت به خدا
۱۳۶	۱-۱-۱-۳- حقیقت و تصور انسان نسبت به خدا
۱۳۹	۲-۱-۳- شناخت انسان نسبت به حقیقت خدا
۱۴۵	۳-۱-۳- شناخت انسان نسبت به جهان
۱۴۹	۱-۳-۱-۳- تجلی خدا در مخلوقات (نشانه‌های خدا در طبیعت)
۱۵۳	۲-۳- تجلی حیات طیبیه در حوزه صفات انسان در ارتباط با خدا، خود و اجتماع
۱۵۴	۱-۲-۳- صفات انسان در ارتباط با خدا
۱۵۴	۱-۱-۲-۳- خوف از خدا
۱۵۹	۲-۱-۲-۳- خشیت انسان در ارتباط با خدا
۱۶۲	۳-۱-۲-۳- تضرع انسان در ارتباط با خدا
۱۶۴	۲-۲-۳- صفات انسان در ارتباط با خود
۱۶۵	۱-۲-۲-۳- تقوا
۱۶۸	۲-۲-۲-۳- تواضع و فروتنی
۱۷۰	۳-۲-۲-۳- پرهیز از عجب و غرور
۱۷۳	۳-۲-۳- صفات انسان در ارتباط با اجتماع
۱۷۳	۱-۳-۲-۳- ایثار
۱۷۶	۲-۳-۲-۳- انصاف
۱۷۹	۳-۳-۲-۳- حق شناسی (بصیرت)

۱۸۴	۳-۳- تجلی حیات طیبه در سه حوزه رفتار انسان در ارتباط با خدا، خود و اجتماع
۱۸۴	۳-۳-۱- رفتار انسان در ارتباط با خدا
۱۸۴	۳-۳-۱- عبادت و رضای الهی
۱۸۶	۳-۳-۲- تسلیم در برابر فرمان الهی
۱۸۶	۳-۳-۳- تعجیل در شکر حقیقی از نعمت الهی
۱۸۸	۳-۳-۴- انس به ذکر خدا
۱۹۰	۳-۳-۲- رفتار انسان در ارتباط با خود
۱۹۱	۳-۳-۱- مشارطه
۱۹۲	۳-۳-۲- مراقبه
۱۹۳	۳-۳-۳- مراقبه
۱۹۵	۳-۳-۴- معایبه و معاقبه
۱۹۶	۳-۳-۳- رفتار انسان در ارتباط با اجتماع
۱۹۶	۳-۳-۱- عدالت
۱۹۸	۳-۳-۲- مدارا
۱۹۹	۳-۳-۳- خوش خلقی

فصل چهارم

عبودیت، طریق وصول به حیات طیبه از منظر امیرالمؤمنین (ع)

۲۰۵	۴-۱- تجلی عبودیت در ارتباط با خدا
۲۰۵	۴-۱-۱- تعریف عبودیت
۲۰۶	۴-۱-۲- صراط عبودیت
۲۰۸	۴-۱-۲- مراتب ایمان و اسلام
۲۱۸	۴-۱-۳- اصل و اساس عبودیت
۲۱۹	۴-۱-۳- عبودیت ایستاد
۲۱۹	۴-۱-۲- عبودیت پویا
۲۲۰	۴-۱-۴- جایگاه حقیقی عبودیت
۲۲۲	۴-۱-۴- عبودیت و توجه به صفات خدا
۲۲۴	۴-۱-۲- تسلیم محض خداوند و محبوب خدا شدن
۲۲۹	۴-۱-۵- مراتب عبودیت
۲۲۹	۴-۱-۵- ظاهر عبادات
۲۳۰	۴-۱-۵- باطن عبادات
۲۳۱	۴-۱-۵- عبادات مربوط به دنیا

۲۳۲	۴-۵-۱-۴- عبادات مربوط به آخرت.....
۲۳۳	۴-۵-۱-۵- چگونگی عبادات در دنیا برای کسب حیات طیبه و ادامه آن در آخرت.....
۲۳۴	۴-۲-۲- تجلی عبودیت در ارتباط با خود.....
۲۳۴	۴-۲-۱- تغییر نگرش نسبت به عبادت خود.....
۲۳۵	۴-۲-۱-۱- عبودیت قائم.....
۲۳۶	۴-۲-۱-۲- عبودیت قوام.....
۲۳۶	۴-۲-۱-۳- عبودیت مقیم.....
۲۳۷	۴-۲-۲- روح ایمان در تمام اعضا و جوارح.....
۲۳۸	۴-۲-۳- ارتباط سلامت روح، جسم و روان در سلامت معنوی.....
۲۴۱	۴-۲-۴- تغییر نگرش نسبت به مرگ در سلامت معنوی.....
۲۴۵	۴-۳-۲- تجلی عبودیت در ارتباط با اجتماع.....
۲۴۶	۴-۳-۱- عدالت محورین نسبت به مردم.....
۲۴۷	۴-۳-۲- تسلیم خدا بودن در حقیقت (تبعیت از ولی خدا، امام معصوم علیه السلام).....
۲۴۹	۴-۳-۱- پیوند عبودیت با ادامهت.....
۲۵۲	۴-۳-۳- تغییر تعامل با اجتماع.....
۲۵۲	۴-۳-۳-۱- نیت.....
۲۵۴	۴-۳-۳-۲- ثبات قدم.....
۲۵۵	۴-۳-۳-۳- صلق در گفتار و عمل.....
۲۵۷	۴-۳-۳-۴- ضرورت توکل به خدا در تعامل با اجتماع.....
۲۶۱	فهرست منابع.....
۲۶۱	منابع فارسی:.....
۲۶۳	منابع عربی:.....
۲۶۴	فهرست آیات.....
۲۷۰	فهرست احادیث.....

مقدمه:

قرآن، هدف دعوت خدا و رسول را، رساندن انسان به حیات طیبه می‌داند و از انسان می‌خواهد این دعوت را اجابت نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اجابت کنید و نیز پیامبر را آن گاه که شما را به اسلام که موجب حیات شماسست فرا می‌خواند.» و در این دگر این فراخواندن را از شؤن ربوبیت خدا معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ» «راش همه نشان می‌دهد حضرت حق در راستای رشد و تعالی انسان حیات را به عنوان مقصد این حرکت هدف گذاری نموده است. برای شناخت این حیات و راه‌های دستیابی به آن و موانع وصول، آیات سوره نحل بهترین مجموعه را در اختیار انسان قرار می‌دهد. بر همین اساس در تبیین حیات طیبه، به بررسی این آیات پرداخته می‌شود.

«وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ - مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ - مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ - فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ - إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ - إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ»^۱ «و ایمان

۱ - آیه ۲۴، سوره انفال

۲ - آیه ۴۷، سوره شوری

۳ - آیات ۹۵ تا ۱۰۰، سوره نحل

خدا را به بهایی اندک بفروشید، قطعاً آنچه نزد خداست (اگر بدانید) برای شما بهتر از مال و مثال دنیا است. زیرا آنچه از دنیا در اختیار شماست از بین می‌رود، ولی پاداش‌هایی که نزد خداست ماندگار است، و ما قطعاً پاداش کسانی را که در وفاداری به پیمان خدا شکبیا بوده‌اند، بر پایه بهترین کارهایی که انجام داده‌اند، عطا می‌کنیم. هر کس (از مرد یا زن) کاری شایسته کند و با ایمان باشد، قطعاً او را به حیاتی پاک زنده خواهیم داشت و به چنین کسانی بر پایه بهترین کاری که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد. پس هرگاه قرآن تلاوت می‌کنی از خدا بخواه که تو را از اغواگری‌های شیطان رانده شده پناه دهد. زیرا او بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، هیچ تسلطی نخواهد داشت. تسلط شیطان فقط بر کسانی است که با پیروی نمودن از او، وی را شریک خدا قرار می‌دهند.»

محورهایی که خداوند در این آیات بیان می‌فرماید و به یک نحوی بیان آن‌ها می‌تواند گزارش از خطوط اساسی مباحث قرآن باشد به شرح ذیل است:

- ۱- انسان‌ها عهده‌ای با خداوند بسته‌اند.
- ۲- بعضی از انسان‌ها این عهد را به بهایی اندک می‌فروشند.
- ۳- آنچه که نزد خداوند است باقی و بهتر است.
- ۴- کسی که عمل صالح انجام دهد به حیات طیب می‌رسد.
- ۵- راه رسیدن به حیات طیب را صبر فرموده است.
- ۶- قرآن یکی از ابزار رسیدن به حیات طیب است که در آیه فرموده است: «وَنُفِثْ مِنْهَا الذِّكْرَ» می‌خواهی از قرآن بهره کافی ببری استعاده داشته باش.

- ۷- در این مسیر خداوند آثاری را ذکر کرده به نام تسلط شیطان و عدم تسلط شیطان، و فرموده شیطان بر دو دسته تسلط ندارد: الف) اهل ایمان ب) توکل کنندگان

آیات قرآن ما را به یک حقیقت سوق می‌دهد که آن حقیقت این است که در سایه ارتباط با خداست، که انسان به رشد می‌رسد. ما اگر به آیات الهی قرآن مراجعه کنیم خداوند در سوره‌ی حشر آیات ۱۸ تا ۲۴ در مورد انسان‌ها مطالبی را بیان فرموده است و آن‌ها را به دو دسته تقسیم نموده است،

انسان‌هایی که خدا را فراموش کردند و انسان‌هایی که به یاد خدا هستند، چگونه می‌شود که انسان خدا را فراموش کند و چگونه می‌شود انسان به یاد خدا باشد، آنچه مورد گفتگوی ماست این است که در آن آیات خداوند دو نوع خداشناسی را طرح می‌کند می‌گوید آدم‌های خداشناس دو دسته‌اند بعضی خداشناس هستند اما این خداشناسی تأثیری در زندگی آن‌ها ندارد یک خداشناسی ایستا، یعنی این افراد اول عمر و آخر عمر هیچ فرقی نکرده‌اند نه دانششان نسبت به خدا تغییر کرده است و نه خودشان. گروه دیگر خداشناسی پویا دارند، یعنی این آدم‌ها از جایی شروع می‌کنند و بعد به جاهای دیگری می‌رسند. نکته اینجاست که این دو گروه، هر دو خداشناس هستند اما یکی خدا در زندگی‌اش مؤثر است، اما دیگری خدا نقشی در زندگی‌اش ندارد. موضوع دوم: این است که خدا راجع به اصحاب قیامت، وقتی اهل دوزخ توصیف می‌کند. گفتگویی راجع به آن‌ها می‌کند که انسان متوجه می‌شود در دنیا یک خبرهای دیگری هست که اهل دوزخ آن‌ها را کشف نکردند و گرفتار شدند. قرآن می‌فرماید: «أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا» شما طبیه‌هایی که در دنیا بود را از دست دادید این قسمت از آیه نشان می‌دهد که در زندگی دنیا طبیه‌هایی هست که انسان باید آن‌ها را کشف کند تا اهل دوزخ نگردد. در ادامه محورهای مطرح در آن بررسی می‌شود.

عهد با خدا

اولین محور بحث آیات سوره نحل این بود که انسان با خداوند عهدی دارد. عهد خدا چیست؟ چه تعهدی انسان به خداوند داده است؟ در آیات قرآن چندین عهد را برای انسان نام برده شده و خداوند می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» و یادآور زمانی را که پروردگارت از فرزندان آدم، از پشتشان، ذریه آنان را گرفت و آنان را برخودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا، تویی پروردگار ما و ما حقیقتی جز این که مملوک تو باشیم

نداریم؛ ما این را دیده‌ایم و بر آن گواهییم. چنین کردیم تا روز قیامت نگویید ما از این حقیقت بی‌خبر بودیم.»

پس یک عهدی که انسان با خدا دارد این است که فقط خدا رب انسان باشد این عهدی است که ما با خدا بستیم. این آیه اشاره به عالم ذر دارد که مفسران پیرامون آن عالم صحبت‌هایی فرمودند که البته بعضی از آن‌ها یک سری اشکالاتی دارد. در مورد عالم ذر باید طوری صحبت شود که با ادبیات قرآن سازگاری داشته باشد. آنچه به نظر می‌رسد در مورد عالم ذر با توجه به آیات و روایات به آن اشاره شده؛ این مطلب است که انسان موجودی با لایه‌های مختلف است. در این آیه می‌فرماید: «أَشْهَدُهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ». انسان‌ها را شاهد بر خودشان قرار داد. «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ». یعنی این انسان‌ها حقیقت نفس خود را فهمیدند و بعد از آن مورد سؤال قرار گرفتند. پس یک مرحله اتفاق افتاد و آن شناخت حقیقت نفس است. اتفاق دوم توحید حضرت حق تعالی است. شاهد صحبت‌های ما حدیثی است که بارها شنیده‌ایم. حدیث سرف «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» است که اکثر افراد این حدیث را این طور ترجمه می‌کنند: هر کس خود را شناخت، خدا را می‌شناسد. حدیث این مطلب را نمی‌گوید بلکه می‌فرماید کسی که نفس خود را شناخت ربوبیت خداوند را می‌فهمد. آیه هم همین مطلب را فرمود که انسان‌ها وقتی شاهد بر نفس خود شدند مورد سؤال قرار گرفتند این معلوم می‌کند که انسان موجودی چند لایه است یک لایه هم از این است که ما با آن سروکار داریم و از آن استفاده می‌کنیم. اما این تنها لایه‌ی وجودی ما نیست. انسان لایه‌های بالاتری هم دارد. وقتی قیامت انسان را مؤاخذه می‌کنند برای این است که چرا لایه‌های پایین وجودی خود را نشناختی؟ چرا به لایه‌های زیرین دسترسی پیدا نکردی و در آن‌ها سیر نکردی؟ بنابراین یک عهدی که انسان با خدا دارد این است که انسان در یک مرتبه از وجودش با خدا آشناست. اما انسان این مطلب را فراموش کرده است و به خاطر همین خداوند فرموده است: «وَلَا تَكْفُرُوا بِاللَّهِ تَكْفُراً قَلِيلًا»^۱ اینکه فرموده است عهد خود را به بهای اندک مفروشید. به این معناست که در یک لایه‌ای از

۱ - مصباح الشریعه ص ۱۳

۲ - سوره نحل، آیه ۹۵

وجود انسان توحید ربوبی و آشنایی با خداست. یکی از ویژگی‌های انسان این است که لایه‌های زیرین اثرات خودشان را در لایه‌های روین نشان می‌دهند. مثلاً انسان در زیرین‌ترین لایه وجودش با خدا آشناست و محو جمال خداست. یعنی انسان با خداوند ارتباط داشته است و ارتباط انسان با خدا در لایه‌های زیرین اثرش این است که میلی در انسان ایجاد شده‌است.

یکی از آثار توحید ربوبی در درون انسان میلی است که انسان به سوی خدا دارد، میل به زیابطبی، کمال طلبی، حقیقت جویی همه میل‌هایی است که از آنجا سرچشمه گرفته است. چون انسان در درون خودش با خدا آشنا برد. در قیامت به اهل دوزخ می‌گویند مشکل شما این بود که آن چیزهای که در طول دنیا داشتید را از بین بردید در درون شما یک چیزهایی قرار داده بودیم که شما لایه‌های زیرین وجودی خود را بی‌وده هر به کردید و به آن‌ها توجهی نداشتید. ما مکلف هستیم از طرف خداوند که عهدی را که با او بستیم به بهای اندک بفروشیم.

برای اینکه مطلب روشن‌تر شود بی‌ارون شکل خلقت با کمک آیات نورانی قرآن مطلبی را بیان می‌کنیم. اگر ما خلقت خود را کشف کنیم جایگاه خودمان را در عالم بهتر متوجه می‌شویم لذا عهدی که با خداوند داریم را به بهای اندک نمی‌فروشیم. در سوره حجر آیه ۲۱ خداوند ارتباطی بین خلقت و خدا مطرح کرده است می‌فرماید: «وَإِنْ مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ»^۱ «و هیچ چیزی نیست مگر این که خزانه‌های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه معین فرو نمی‌فرستیم.» ابعاد این آیه اگر مشخص شود تصویر ما از خودمان با تصویری که از ارتباط با خداوند داریم مقداری متفاوت خواهد شد و تبیین بعضی از رفتارهایمان بهتر و دقیق‌تر خواهد شد بعد برمی‌گردیم به آیهی سوره نحل که فرمودند: «وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا»^۲ چه اتفاقی برای ما ممکن است رخ دهد که خدا ما را از آن باز می‌دارد. با توجه به آنچه در ادبیات عرب در خصوص آیه می‌توان گفت این مطلب است که: (۱) بیان قرآن این است که هر چیزی نزد خداوند دارای خزانگی است. (۲) هیچ شیء از این قاعده مستثنی نیست. (۳) انسان‌ها هم به عنوان شیء هستند که خزانگی نزد

خداوند دارند. (نکره در سیاق نفی افاده‌ی عموم می‌کند.) در این جا به دنبال این هستیم که ارتباط انسانی که در این دنیا است با آن خزائن که نزد خداوند است چطور انجام می‌شود. اگر ما بتوانیم در محضر آیات قرآن این واقعیت را درک کنیم که انسان یک موجود چند لایه است. تبیین دقیق‌تری از حالات خود و مسیری که بایستی در دنیا، برزخ و قیامت طی کنیم؛ روشن‌تر می‌شود.

اولین مطلب در این آیه این است که همه اشیاء یک نزولی دارند از جمله انسان. پس انسان یک جایی بوده و نازل شده است. از کجا نازل شده است؟ از خزائن الهی نازل شده است چون خداوند فرموده است: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ»^۱ هیچ چیز نیست مگر در نزد ما خزائن اوست، نه اینکه الان نیست بلکه خزاینش نزد خداوند است و ما او را نازل کردیم. این نزول در چند لایه صورت گرفته است. از نظر ساختاری اگر ما یک نقطه‌ی الفی را فرض کنیم اسمش را بگذاریم خزائن و از آنجا یک خط فرض کنیم که تا دنیا امتداد دارد و یک رابطه‌ی طولی بین این‌ها فرض کنیم به نظر می‌رسد که مرتبه‌ی بالا برای مرتبه‌ی پایین می‌شود خزائن، یعنی یک مرتبه‌ی بالایی هست که نازل شده، دوباره از آن مرتبه، مرتبه‌ای دیگر نازل شده است تا به دنیا رسیده است و هر مرتبه‌ی بالا مخزنی برای مرتبه‌ی پایین‌تر است. نکته‌ی بعدی که در این آیه مطرح است اینکه هر چیزی که مشاهده می‌کنید و از جسمه انسان نزد خداوند خزائن دارد، قرآن فرمود مخزن دارد بلکه جمع آن را که خزائن است بیان فرمود. یعنی همه چیز و از جمله انسان در نزد خداوند مخزن‌هایی دارد. معلوم می‌شود اگر خواستیم دقیق‌تر راجع به رابطه‌ی انسان و مبدء آفرینش سخن بگوییم باید تصویر دیگری از انسان داشته باشیم مثل آنکه انسان یک موجود با لایه‌های مختلف است که هر لایه‌ای مخزن نزد خداوند دارد.

نکته بعدی اینکه، چرا خداوند در سوره‌ی نحل می‌فرماید: «وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا» عهد الهی را به بهای اندک نفروشید. مگر ما انسان‌ها چکار می‌کنیم که خداوند ما را از آن نهی می‌کند؟ نکته‌ی بعدی اینکه انسان یک مقام عندالهی نزد خداوند دارند. انسان یک سیر نزول داشته

از عندالله به دنیا و یک سیر صعودی دارد از دنیا به سمت خداوند و نقش انبیاء الهی در عالم این است که بتوانند به انسان‌ها بفهمانند این سیر نزول چیست؟ از کجا آمده‌ای؟ و چه طور می‌خواهی برگردی؟ قرآن هم سخنش این است که خدا، قرآن و ام‌الکتاب، (همان عندالله)، را نازل کرده است برای چه؟ قرآن می‌گوید «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۱ به خاطر اینکه شما تعقل کنید. تعقل در چه چیز؟ در آیات قرآن تعقل کنیم که راه بازگشت را پیدا کنیم. نکته بعدی این است که داستان خلقت به مفهوم خلق شدن یک چیزی، توسط خداوند نیست بهتر است بگوییم خلقت یک نوع نزول است؟ تحت چه عنوانی؟ و تحت چه بیانی؟ اگر ما در آیات قرآن دقت کنیم حداقل سه مرتبه را می‌توانیم برای نزول کشف کنیم که البته این سه مرتبه در صعود هم انجام می‌شود.

اولین مرتبه که خداوند در قرآن بیان فرموده است، همان عندالله است. وقتی می‌گوییم نزول، مرتبه‌ی حق را کنار زده‌ایم یعنی بحث ما از پایین‌ترین جایی است که قرار است یک چیزی بیاید پایین از آن جایی که می‌آید پایین اولین نزول است می‌شود عندالله. یعنی بالاتر از آن هم یک چیزی هست البته برای ما قابل فهم نیست چیزی که برای ما قابل فهم است مرتبه‌ی عنداللهی است که آن را اولین مرتبه حساب می‌کنیم. در زبان ادبیات دینی مرتبه‌ی عندالله چند اسم دارد که یکی از اسامی آن قیامت است لذا وقتی قرآن قیامت را می‌خواهد توضیح دهد یکی از اسامی آن را "الیه راجعون" یعنی بازگشت دوباره به سمت همان جا می‌داند. قیامت در سیر نزول اولین مرتبه است و در سیر صعود آخرین مرتبه به حساب می‌آید. مرتبه‌ی قیامت یک اسم دیگری دارد به نام جبروت. مثل اینکه انسان‌ها در مرتبه‌ی نزول نواقص برایشان حاصل می‌شود که قرار است این نواقص جبران شود یعنی مرتبه‌ی جبروت کارش این است که رابطه‌ی انسان با خدا را اصلاح کند و نقص مراتب پایین‌تر را جبران کند. اسم جابر در این مرتبه حلول می‌کند که در دعاها مطرح شده است^۲ و این مرتبه نام دیگری هم به نام "الوح محفوظ"^۳ دارد. مرتبه‌ی دوم در نزول برزخ است که فاصله‌ای بین دنیا و قیامت است.

۱- یوسف، آیه ۲ و زخرف، آیه ۳

۲- اقبال الاعمال ج ۱ ص ۵۲۰

۳- بروج/ ۲۲